

حکایات متفرقہ

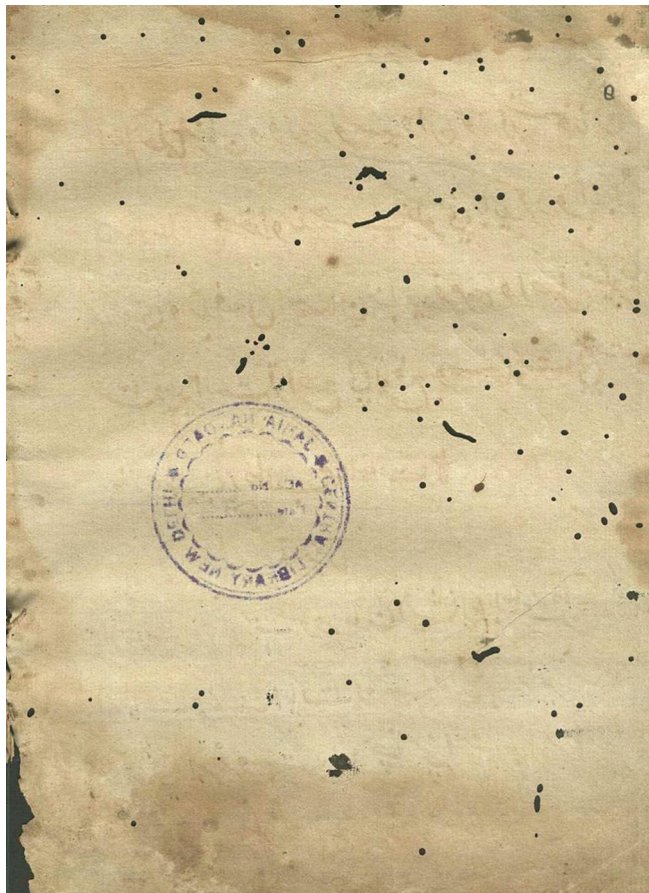


ابوزر جهر

است
اعلم حکماء زمان و وزیر پوشیدگان بود که سخنان او
که با عاقل و خداوند حسب نیکویی باید کرد و با ابله و
بدگویی و بد فعل احسان نباید فرمود و اصل نیکویی
سچیز است تواضع بی توقع و سخاوت بی منت
و خدمت بی طلب مکافات

او میس

از جمله شعرا و یونان است و در میان ایشان بطرف طبع مشهور
از کلمات حکمت آیات اوست که کذب جایز نیست
مگر وقتی که ضرورت بود چنانچه استعمال دوا و انا
مگر هنگام حدوث مرض



خود را بدندان ببرید و برون انداخته و آخر الامر در
اشاء شکفته به عالم دیگر منزل ساخت بهمان مری
سیم و زر توای کرد خوش انگس جوانان مری
بجان کرد عمر شریف زینون هفتاد و دو سال بود
آورده اند که همواره شاکردان خود را میگفت که
اگر چیزی از اموال شما بدیگری انتقال نماید مگوئید
که ملک ما از دست رفت بلکه بر زبان آورید که
عاریتی را که روزی چندان آن نفع که فتم اندر ما باز
ستاندند زیرا که اگر ملکیت مال بحقیقت ما بودی
از دیگری بپشما و از شما بدیگری منتقل نمی شدی

۹
زینون بن طالوط غور

از خدای یونان بکثرت محبت و حمایت بنو نهمان ^{زینون}
مستثنی و ممتاز بود و درین امر مرتبه اعصاب داشت
که چون جمعی از دوستان و مصاحبان او بنیاد
زمانه عصبیان و زیدیند و ملک قصد گرفتن ایشان
نمود زینون اصحاب را مال و سلاح مردود و یاد
این معنی و قوف یافته زینون را گرفت و فرمود
تا از واسامی و عدو مخالفان را به شکنجه اقرار کنند
و زینون جنگ در جبل المتین صبر و شکیاستی برده
مطلقا غمنازی نکرد بلکه چون تعذیب محصلان
از حد درگذشت جهت ناامیدی ایشان ^{خود را} زبان